

## رویدادهای سیاسی هفته:

### آذر مدرسی

#### فلسطین، معامله قرن و انتفاضه بعدی!

حل معضل فلسطین، تشکیل دولت مستقل فلسطین و مردم فلسطین یکی از اولین قربانیان بحران خاورمیانه و کشمکش قدرتهای جهانی و منطقه ای است. مردمی که کمترین نقش و دخالتی در سرنوشت سیاهی که سالها است برایشان رقم زده شده نداشته اند.

مردمی که ابتدایی ترین حق شان سالها است زیر بار منافع مشتی نیروها و دولتهای ارتجاعی دفن شده و مستمسک بند و بستها، کشمکشها و زد و بندهایشان قرار گرفته است. مردمی که محنت و مصائب زندگی شان، از تحقیر و بیحرمتی هر روزه تا قتل و کشتارشان دستمایه امتیازگیری و معامله بورژوازی ارتجاعی عرب از رقبای محلی یا بورژوازی جهانی قرار گرفته است.

اینبار قرار است طرح "معامله قرن"، با عنوان پرطمراق "طرحی برای حل معضل اسرائیل- فلسطین"، با قول سرمایه گذاری ۵۰ میلیارد دلاری در کرانهٔ باختری، نوار غزه، مصر و اردن و لبنان طی ده سال آینده و رشوه به عربستان، امارات، بحرین و ... چوب حراجی بر حقوق مردم فلسطین بزند. طرحی که به حق از طرف نیروهای فلسطینی "سیلی قرن" خوانده و رد شده است. طرحی که در آن حتی یک کلمه در مورد معضل واقعی مردم فلسطین، در مورد تشکیل دولت مستقل فلسطین، در مورد سرنوشت مناطق اشغالی و ... دیده نمیشود.

هیئت حاکمه امریکا باز هم در محاسبات خود اشتباه کرد. تصور میکردند پس از قطع کمکهای مالی ۲۰۰ میلیون دلاری امریکا به مردم فلسطین و تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به آوارگان فلسطینی، مردم و نیروهای فلسطینی برای "معامله قرن" هورا کشیده و آزادی، حرمت، کرامت، حق و سعادت خود را چنین ارزان و حقارت آمیز خواهند فروخت.

## علیه لشکرکشی نظامی آمریکا و گسترش فضای جنگی در خاورمیانه

### به اتحادیه ها و سازمانهای کارگری

### به مردم متمدن و آزادیخواه جهان

تنش در منطقه خلیج به طور مداوم به بهانه های پوچ "نابودی سلاح توان و نیروی خود برای پایان دادن در حال افزایش است. علاوه بر های کشار جمعی در عراق" یا به تحریم های نظامی و اقتصادی نیروهای نظامی مستقر و در حال "مبارزه با تروریسم اسلامی" یا آمریکا به میدان آید. به شکست افزایش آمریکا در منطقه، دولت "استقرار دموکراسی" بوده ایم. همه کشاندن این حلقه تخریب وظیفه ما انگلیس نیز نیروهای نظامی خود را ما شاهد نتیجه جنگ های عراق، است. لگام زدن به ماشین جنگی راهی منطقه کرده است. اکنون، در لیبی، سوریه، افغانستان و ... و دولت های مربوطه وظیفه ماست. کنار تحریم های اقتصادی تحمیل ویرانی زندگی ده ها میلیون نفر بشریت امروز، دوره دیگری از ویرانی شده به مردم ایران، طرح هایی برای بوده ایم. ما دیده ایم که چگونه این و فقر را در دهه دوم قرن ۲۱ نمی تحمیل فشار مشابه بر مردم عراق

در دست اجرا است.

امروز کسی در خطر وقوع جنگ در خاورمیانه، علیرغم اعلام عدم تمایل مقامات جمهوری اسلامی یا دولت ترامپ به جنگ، تردیدی ندارد.

سرعت تشدید تنش ها و نظامی شدن کامل منطقه خطر جنگ را افزایش داده است. صرف نظر از ادعاهای طرفین در مورد عدم امکان بروز جنگ، اما چشم انداز جنگ باز شده است.

همه ما تاریخا شاهد ریاکاری دوجانبه آمریکا و متحدان آن بوده ایم. شاهد جنگ افروزی این کمپ

توده ای مردم علیه دولت های مستبد حاکم در این مناطق ضربه زده و آنرا عقب رانده است.

مردم خاورمیانه و اکثریت قریب به اتفاق مردم در سراسر جهان هیچ منفعتی در تحریم های اقتصادی یا جنگ ندارند. تحریم های اقتصادی باید بلافاصله برچیده شوند. چرا که این تحریم ها، زندگی توده های وسیع محرومین در این جوامع را که تحت سرکوب مداوم حاکمیت دول مرتجع منطقه اند، به نابودی کامل می کشاند.

ما شما را فرامیخوانیم که با تمام

مردم خاورمیانه و اکثریت قریب به

توافق مردم در سراسر جهان هیچ

منفعتی در تحریم های اقتصادی یا

جنگ ندارند. تحریم های اقتصادی

باید بلافاصله برچیده شوند. چرا که

این تحریم ها، زندگی توده های

وسیع محرومین در این جوامع را که

تحت سرکوب مداوم حاکمیت دول

مرتجع منطقه اند، به نابودی کامل

می کشاند.

ما شما را فرامیخوانیم که با تمام

مردم خاورمیانه و اکثریت قریب به

توافق مردم در سراسر جهان هیچ

منفعتی در تحریم های اقتصادی یا

جنگ ندارند. تحریم های اقتصادی

باید بلافاصله برچیده شوند. چرا که

این تحریم ها، زندگی توده های

وسیع محرومین در این جوامع را که

تحت سرکوب مداوم حاکمیت دول

مرتجع منطقه اند، به نابودی کامل

می کشاند.

ما شما را فرامیخوانیم که با تمام

مردم خاورمیانه و اکثریت قریب به

توافق مردم در سراسر جهان هیچ

منفعتی در تحریم های اقتصادی یا

جنگ ندارند. تحریم های اقتصادی

باید بلافاصله برچیده شوند. چرا که

این تحریم ها، زندگی توده های

وسیع محرومین در این جوامع را که

تحت سرکوب مداوم حاکمیت دول

مرتجع منطقه اند، به نابودی کامل

می کشاند.

ما شما را فرامیخوانیم که با تمام

مردم خاورمیانه و اکثریت قریب به

توافق مردم در سراسر جهان هیچ

منفعتی در تحریم های اقتصادی یا

جنگ ندارند. تحریم های اقتصادی

## کمربند محنت و مرگ در دامنه البرز



### دور، دور ماست!

#### فواد عبداللهی

همه میدانند که جامعه ایران بویژه این پس، طبقه کارگر و انقلاب بعد از خیزش های دیماه ۹۶ و کارگری به عنوان یک آلترناتیو و صدد خنثی کردن "خطر" انقلاب از اعتراضات و اعتصاب گسترده مولفه قدرت در سیاست ایران قد علم کرده و مورد بحث در محافل "درخواست ۱۴ تن از فعالین مدنی - دوست و دشمن است و غیر قابل سیاسی داخل کشور برای استعفای اهو، آستن تحولات عمیق تر و به مراتب عظیم تری است. ذهنیت رایج امروز در مورد فضای سیاسی ایران این است که ماجرای اصلاح دولت، و مشخصا "اصلاح طلبان" و مسالمت آمیز" از این رژیم حکومتی و غیر حکومتی سیخ کرده

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری

## کمر بند محنت و مرگ در دامنه البرز

مصطفی اسدپور



می‌دانستیم ۳۵ کارگران معدن در کارگاه‌های استخراج حضور دارند. در آمار اولیه به ما ۴۵ نفر محبوس شده عنوان کردند که دو نفر در جایی دیگر بودند و چون آمار دقیق در دست نداشتیم آن را ارائه نکردیم.

استهلاک و تعمیر و روغنکاری ماشین‌ها در گردش سود و زیان معادن خنده آور است و از خنده آورتر مخارج مربوط به نگه داری از نیروی کار و معدنچیان است. کارگر معدن در ایران و در کمرکش البرز در هیئت یک مزدبگیر در پایین ترین رده های دسته بندی رسمی مهارت در چارت دریافت حداقل دستمزد،

همزمان، موتور محرک و مهندسیین انکشاف معدن، دستگاه غول آسای حفاری و انتقال مواد معدنی و بعلاوه تنها تکیه گاه امید و امداد در مصاف با مخاطراتی است که بسیار بیش از آنکه محتمل باشند، ناگزیرند. به سختی میتوان جوهره سازندگی و شرافیت انسانی معدنچیان را به تصویر کشید بدون آنکه به ابعاد هیولای کارمزدی که همه وجوه فردی و اجتماعی او را احاطه کرده و مورد حمله قرار میدهد، رجوع کرد. سرگذشت کارکرد معدن نه فقط با تقلای پایان ناپذیر در تقابل با شرایط جهنمی کار، رنج بیحاصل در مسافه میان توقعات و دستمزدها بلکه میدان ابراز وجود پلیدی و تبه کاران از جیب برها، کلاه گذاران

بقول بهروز برنا، معاون اکتشافی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی "در کل کشور ما از نظر وجود زغال سنگ شرایط به نسبت خوبی وجود دارد، اما مشکلاتی که در کشور ما در حوزه زغال سنگ دیده می‌شود مربوط به لایه های نازک زغال سنگ است. علاوه بر اینکه نوار کمری بالا و پایین زغال سنگ نیز سست است." (سایت صنایع و معادن ۲۲ خرداد ماه ۹۵)

آنچه این لایه های نازک و سست را به یک موهبت زمینی تبدیل میکند، آنچه این سنگهای سفت و سیاه رنگ را به سرمشقا ثروت مبدل میسازد، آنچه که ولوله تولید و سازندگی را در دوا بر بیزینس و اقتصاد انداخته است نه خود سنگهای زغال در اعماق طبیعت بلکه مندرجاتی است که در فصل کار و معدنچیان در قاموس و قانون و عرف جامعه نقش بسته است. در این فصل یک کارگر و یک دیلم و بیلیچه

می‌دانستیم ۳۵ کارگران معدن در کارگاه‌های استخراج حضور دارند. در آمار اولیه به ما ۴۵ نفر محبوس شده عنوان کردند که دو نفر در جایی دیگر بودند و چون آمار دقیق در دست نداشتیم آن را ارائه نکردیم.

مردتی با بیان اینکه در معدن بر روی یک برگه‌ای صبح به صبح هر فرد به داخل تونل می‌رفت اسم نوشته می‌شد و خارج می‌شد اسمش خط می‌خورد و این برگه در دست ما در روز نخست نبود، افزود: در روزهای اولیه حادثه نقشه معدن را نداشتیم و روز سوم نقشه به دست ما رسید.

"این حقیقت دارد که کار برای مرگ است. البرز شرقی هیولای بی در و ثروتمندان چیزهای شکفت انگیز میسازد، اما برای کارگر محرومیت میآفریند. کار خالق کاخ‌ها است، حال آنکه برای کارگر آلونک می‌آفریند. کار آفریننده زیبایی‌ها است ولی برای کارگر زشتی آفرین است. ماشینی را جایگزین کار میکند، امی بخشی از کارگران را به کار وحشیانه سوق میدهد و بخشی دیگر را به ماشینی بدل میکند." (کارل مارکس - دست نوشته های اقتصادی - فلسفی ۱۸۴۴)

معدن در ایران نه یک استخراج برنامه ریزی شده، نه یک امر صنعتی در دل کوهها و در دل غلبه بر منطق طبیعت بلکه اساساً یک جستجوی کور در تاریکی و وحشت و ظلمت قعر زمین است. معدن ذغال حکایت بیرون کشیدن تکه های سنگ با چنگ و دندان، از حلقوم رگه هایی است که هر کدام و هر لحظه میتواند سنگ یک گور از آب در بیایند. شناسایی مخازن گاز سمی، ساخت کانالهای مجهز به سقف های مستحکم و نقشه مند، پیش بینی مسیرهای امدادی در الفبای کار معدن در درندشت "صنعت معدن ایران" بیگانه است. مرگ در معدن ایران در ناآمدگی مواجهه کارگر با نشت گاز، عدم امکان شناسایی مکان حادثه، نبود تسهیلات و تجهیزات امداد اولیه و امکان انتقال به بیمارستان، این مرگ از شدت سادگی مسخره است. اظهارات رضا مروتی ریاست کمیته حقیقت یابی فاجعه معدن زمستانی یورت آذر شهر در اردیبهشت ۱۳۹۶ گویاست. طول تونل این معدن تنها دو کیلومتر بود و در این حادثه ۴۳ معدنچی جان باختند.

"در زمان وقوع حادثه دفتر ورودی و خروجی افراد در معدن وجود نداشت، دفتر ثبت کارگاه گم شده بود و

دامنه کوههای البرز در فاصله میان استانهای خراسان جنوبی تا کرمان، قریب نیم میلیون از جامعه کارگری ایران در چنگال یک کمر بند دردناک سوانح مرگبار محیط کار اسیر هستند. مسیر این کمر بند پوشیده از تونلهای معدن ذغال سنگ میباشد که در ده ساله اخیر بطور مداوم سرتیتر اخبار مرگ و جراحت کارگران معدنچی را به خود اختصاص داده است. پنج شنبه سی خرداد دو کارگر در معدن سوادکوه بر اثر نشت گاز جان باختند. تنها چهار روز پیشتر، بعد از ظهر بیست و ششم خرداد، یک کارگر بدلیل مشابه در معدن رزم جا غربی از معدن چهارگانه طرزه جان داد. خرداد وحشت در بیست و سوم ماه در معدن برناکی دو کارگر بنام محمود مومن و علی اکبر عجم اکرامی را به کام مرگ فرستاد.

سوانح جزو شرایط معمول و متعارف کار در معدن ذغال سنگ ایران است و مرگ بر اثر گازگرفتگی رایج ترین نوع سوانح به حساب میآید. اینجاست برای کارگران "محیط کار" نیست، محیط

زنده باد سوسا لیسیم

مرگ بر جمهوری اسلامی



کند، کسی که مجبور نباشد حاضر نیست در معدن کار کند.“ (گزارشی از بازماندگان فاجعه معدنچیان یورت آزادشهر در ۱۶۰ روز پس از حادثه، سایت خبری مشرق نیوز، ۲۳ مهر ۹۶)

”همیشه حق کارگران خورده می شود آرزو می کنم فرزندانم هیچ وقت مانند پدرشان کارگر نشوند.“ (همانجا)

طبقه کارگر تا همین جا در ارتش معدنچیان خود انبار عظیمی از باروت کافی از کینه را برای انقلاب خود ذخیره کرده است. مادام که همه معادن در مقابل دست اندازی کارفرما هنوز به مبارزه محلی بسنده میکنند، مادام که هیولای معادن از میان کارگران تسلیم و فداکاری

و خون و قربانی میطلبد و صف متحد سراسری معدنچیان با آتش اعتصاب خود پاسخ شایسته را در آستین ندارد، هنوز به باروت بیشتری نیاز است. برای طبقه کارگر در جهت ایجاد صف متحدتر و قویتر هیچ تک مبارزه و تک خواستی کم ارزش و قابل اغماض نیست، صفوف طبقه ما به بالاترین درجه حق خواهی به یک استخوان بندی میلناتن نیاز دارد. اما همزمان باید به نیروی خود باور کند و بلند پروازی را خمیر مایه عدم تحمل نظامی کند که در آن هر چه کارگر بیشتر تولید میکند، ناچاراً کمتر مصرف میکند؛ هر چه ارزش بیشتری تولید میکند، خود کم ارزش تر میشود؛ هر چه کار توانمندتر، کارگر ناتوان تر؛ و هر چه کار ابتکاری تر باشد، کارگر غیر مبتکرتر و بیشتر به برده طبیعت بدل میشود.

”بزرگان، تنها از آن رو بزرگ به نظر میرسند که ما (جلوی آنها) زانو زده ایم؛ پس بگذار برخیزیم.“ (کارل مارکس - خانواده مقدس)

## دور دور ماست!

”ایران ویران کن“، و در پی برپایی انتخاباتی آزاداند تا عملکرد رسانه ها و مطبوعاتی چون بی بی سی و من و تو، و وصل کردن ”جنبش سبز“ با انقلاب ۵۷ با هدف ملا خور کردن انقلاب و انقلابیگری،

تا پند و اندرزهای ”اصلاح طلبان“ در باب ”انقلاب خشونت است“، ”سوسیالیسم به جمهوری اسلامی ختم شده است“، ”رفسنجانی راه نشان داد“، ”ما خواهان گذار مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی هستیم“، ”از گذشته درس بگیریم“ و ... همه بلا استثناء در سنگر مدافعین نظم سرکوب در برابر ”خطر“ انقلاب کارگری، سنگ تمام گذاشته اند.

پیام روشن است: هرکس به تغییر اساسی در اوضاع امروز می اندیشد، هرکس که خواهان عبور از جمهوری اسلامی است، باید به تغییرات از بالا چشم بدوزد و منتظر بماند که بلاخره آقا به ”انتخابات آزاد“ عالیجنابان ”اصلاح طلب“ در بالا گردن نهد!!

زهی خیال باطل! کیست که نداند مردم ایران یکبار این شیوه از کلک و دودوزه بازی را در انقلاب ۵۷ تجربه کردند و اتفاقاً هزینه گزافی هم بابت آن پرداختند. همین طیف ”اصلاحاتچی“، ”ملی-مذهبی“ و ”لیبرال“ بود که در رکاب بی بی سی، عکس امام را در ماه جا داد، بر تن اش جامه ”انقلابی و چپ و ضد امپریالیست“ پوشاندند؛ اعلام کردند که آقا خود فرموده قرار نیست اسلام حکومت کند، تشریف میبرند حوزه های علمیه و واتیکان را بازسازی میکنند؛ در ثانی خانم شان هم پیانو مینوازند و زبان فرانسه هم آموخته است!!

حقیقت اینست که تاکتیک دست بدست شدن قدرت از بالا، ماهیت جنبش ”اصلاحات“ و طیف توده -اکثریت بوده است. جمهوری اسلامی خمینی محصول این دست تاکتیک است و تجربه آموزنده و تلخی است که مردم ایران دارند. اینها هر قدر هم در مورد پرونده قطور گذشته

شان خودزنی کنند و ببیزند که ممکن است ”اشتباهاتی“ هم صورت گرفته باشد، درس بگیرند و بیاموزند، و بیانیه ها صادر کنند که خواهان ”تغییر قانون اساسی“ اند، اما هنوز گندی بر پیکره آن جامعه اند که باید عجلانگیزند زودایی شوند.

هیچکس آزادی و برابری و رفاه و رادیکالیسم و مدرنیسم و خوشبختی امروز و فردای خود را به پرچم امثال شریعتی و رفسنجانی و سروش و موسوی و تاجزاده و خاتمی و بی بی سی و طیف توده-اکثریت سنجاق نزده است. هیچکس حاضر نیست آرمانهای والای انسانی را در جهت احیاء و موضوعیت یافتن مجدد یک جریان مرده سیاسی (ملی - اسلامی) در قالبی نوین و برای اهدافی در چهارچوب اولیه و ادعایی خود آن جنبش قربانی کند. عروج اسلام سیاسی و حکومت اسلامی در ایران زیر سایه این طیف، خود یک نمونه گویا است و احتیاجی به تفسیر و تحلیل ندارد. اینها برای سرکوب آرمانهای انقلاب ۵۷، مطابق سفارش، در ساختن گانگستریسم اسلامی ضد چپ

دست داشتند تا سرمایه داری در ایران را از گزند کمونیسم و انقلاب کارگری نجات دهند. هراس امروز اینها از انقلاب کارگری در ایران است؛ هراس از مردمی که نه اصلاح طلب میخواهند نه اصولگرا؛ در مقابل مردمی که برای سرنگونی هر دو جناح براه افتاده اند نجات جمهوری اسلامی از دورنمای سقوط بیهوده است. لیبرالیسم دینی، جامعه مدنی، گذار مسالمت آمیز، اعلامیه جهانی حقوق بشر، توسعه سیاسی، حکومت دموکراتیک و سکولار، انتخابات آزاد و ... کلمات و عبارات و آیات متعدد این چینی که تاریخاً بر پرچم این طیف نقش بسته مجموعاً سوره ”سازش“ را ساخته است. سازش در مقابل طبقه کارگری که حکم

به کنترل جامعه توسط شوراها کارگری داده است. سازش با مردمی که از اسلامیت و ارتجاع فرهنگی به تنگ آمده اند. سازش با مردمی که از استبداد و بی حقوقی و فعال مابیشایی مذهب و مذهبیون به تنگ آمده اند. با مردمی که از بیکاری، فقر و ناامنی و افق تاریک

جامعه در خشم اند. سازش با مردمی که دیگر تکان خورده اند. سازش با کارگران، سازش با زنان، با جوانان، سازش با قرن بیست و یکم. و سازش با غرب، که باید زیر بال سرمایه داری داغان و بی امید ایران را بگیرد و یک انفجار عظیم اجتماعی و سیاسی را مانع شود. این موقعیت ایران زمان انتخاب روحانی و برجام بود. و اکنون اوضاع بویژه بعد از خیزش های توده ای محرومین در دیماه ۹۶ و تحركات جدی بخشی از طبقه کارگر در جنوب ایران، به مراتب وخیم تر و حساس تر است.

هیاهوی ”گذار مسالمت آمیز“ و ”تغییر قانون اساسی“، انعکاس ترسی است که حلقومشان را میفشارد. ترس از انقلاب کارگری و عرض اندام مستقل طبقه کارگر! ترس از اعلام کنترل وسیع جامعه توسط شوراها کارگری و مردمی اترس از عبور عینی جامعه از هر دو جناح! اکنون رژیم اسلامی لخت و عریان مقابل مردم است. دوره، دوره، دور ماست.

تمام پروژه مشعشع ”اصلاح ارتجاع به دست ارتجاع“ و ”تعدیل اسلام به دست اسلام“ اکنون بار نشسته است؛ هوش سرشاری نمیخواهد که کسی بفهمد کسب آزادی محصول مبارزه آزادیخواهانه مردم است. در پس قیل و قال جنبش ملی-اسلامی و ”اصلاحات“ این محافل، این مبارزه آزادیخواهانه تمام این مدت از کارخانه ها و پالایشگاه ها و دانشگاه ها تا محلات زندگی در جریان بوده و رشد کرده است. اکنون این جنبش کارگری و آلترناتیو سوسیالیستی طبقه کارگر است که نیروی اصلی تحول در جامعه ایران است. دور دور ماست و صف عظیمی که خواهان سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی است.

# نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

## رویدادهای هفته

فقیه و ... تا چرخش از مذاکره با ۱۲ پیش شرط به مذاکره بی قید و شرط با ایران، همه و همه حاکی از بن بست هیئت حاکمه امریکا در "مدیریت" بحرانی است که بوجود آورده . بحرانی که نه فقط بورژوازی اروپا، روسیه و چین، که بخشی از هیئت حاکمه امریکا نیز با آن "سر سازش" ندارد.

بحرانی که امروز امریکا فقط یکی از بازیگران، و نه الزاما تعیین کننده ترین آن، است. بحرانی که از چین، روسیه، آلمان و فرانسه تا ترکیه، قطر، عربستان و اسرائیل در آن درگیر و سهیم اند. ترامپ نه فقط نتوانست با کشیدن نیروهای نظامی خود به منطقه، قدرت های اروپایی و کل هیئت حاکمه امریکا را به تمکین بکشاند، بلکه آنان را عملا به مقابله ای عریان با خود و متحدین منطقه ای اش کشاند.

این بخش از بورژوازی فشار امریکا بر ایران و تشدید تشنج در منطقه را با پیچاندن دست متحدین امریکا در منطقه، از جمله فشار به عربستان و پرنس جانی آن، بن سلمان، رو کردن نقش او در قتل خاشقچی و هیاهوی "حقوق بشری" حول آن، مخالفت فروش اسلحه به عربستان در هیئت حاکمه امریکا و بلوک کردن فروش اسلحه دولت انگلیس به عربستان، جواب میدهد.

پایان دادن به این بن بست، به این دور باطل تهدیدات جنگی، تحریم، مذاکره، میلیتاریسم و تبلیغات جنگی، کار جنبشی رادیکال، آزادیخواهانه است تا با لایروبی منجلاهی که بورژوازی برای میلیونها انسان در منطقه خلق کرده است، بشریت را از این سیر مخرب و ویرانگر رها سازد.

این طرح مرده به دنیا آمد! هنوز جوهر طرح خشک نشده، هنوز گارگاه دوحه تشکیل نشده اعتراض به آن و تلاش برای شکل دادن به مقاومتی عملی، انتفاضه ای دیگر، در جریان است. مستقل از توافقات امریکا و دولتهای مرتجع عربی، مستقل از سازش یا عدم سازش سازمانهای فلسطینی، موج جدیدی از اعتراض علیه این طرح، علیه مبتکرین و مدافعین آن، علیه دول مرتجع عربی در حال شکلگیری است. اعتراض و مقاومتی که امروز از نوار غزه شروع و دامنه اش به بغداد، قاهره، بیروت، مراکش، عمان و تونس خواهد کشید. "معامله قرن" آتش جدیدی بر بشکه باروت خشم و نفرت برحق مردم فلسطین و حامیان آن خواهد زد. آتشی که دول مرتجع عربی تاب مقاومت در مقابل آنرا نخواهند داشت.

## بن بست فضای جنگی، تحریم، مذاکره

بیش از یکماه از حضور ناوگانهای امریکا در خلیج فارس و تهدیدات جنگی امریکا میگذرد، یکماهه که که همزمان با تشدید کشمکشها و کسترش تبلیغات جنگی، بن بست امریکا، بورژوازی غرب و دول منطقه، منجمله ایران، در سرهم آوردن بحرانی موجود را نشان میدهد. عر و تیزوها و فضای جنگی که که با هدف راه اندازی جنگ نظامی جدیدی براه نیفتاده بود، میلیتاریسمی که قرار بود فقط هراس و نا امنی بوجود بیاورد، علیرغم هدف اولیه آن، هر لحظه میتواند منطقه را به صحنه جنگ و کشتاری هزار بار دهشتناک تر از سوریه و افغانستان و عراق تبدیل کند.

سیاستهای متغیر و بخشا متناقض امریکا، از "حمله میکنیم"، "ائتلاف جهانی علیه ایران" تشکیل میدهم و تحریمهای بیشتر علیه ولی

## نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سرمدبیر: آذر مدرسی  
azar.moda@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

فیسبوک حزب

facebook.com/HekmatistX

رادیو نینا

radioneena.com

تلگرام رادیو نینا

@Radionenna

اینستا گرام رادیو نینا

instagram.com/radioneena/

تماس با حزب

دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

-----

سایت آرشیو

آثار منصور حکمت

hekmat.public-archive.net

## فراخوان تجمع در لندن در اعتراض به ادامه بازداشت فعالین هفت تبه

و سایر فعالین کارگری و زندانیان سیاسی در ایران

چهارشنبه ۲۶ ژوئن ساعت ۲ بعدازظهر،

مقابل سفارت جمهوری اسلامی

16 Princes Gate, Knightsbridge, London SW7 1PT

تماس: بختیار ۰۷۵۷۷۹۵۲۱۱۳

تشکیلات لندن حزب حکمتیست - خط رسمی